



پیانوی فرنگی، صدای ایرانی

- پیانو از نمادهای فرهنگ پذیری در موسیقی صد سال گذشته ایران است. نخستین پیانوهای وارد شده به ایران، مربوط به عصر ناپلئون سوم، معاصر با فتحعلیشاه قاجار است. اما اولین نشانه های استفاده از آنها در موسیقی دربار عصر ناصری است. عصری که در آن، سلطان صاحبقران، دستی به این ساز داشت و محمد صادق خان سرورالملک استاد سنتور، کوک آن را تغییراتی داد و زمینه نواختن موسیقی ایرانی را برای آن مهیا کرد. از زمانی که استفاده از برخی سازهای اروپایی طرف توجه واقع شد، پیانو نیز به عنوان سازی با صدای مطبوع، ظاهر مجلل و دارای قابلیت اجرایی شخصیت مضرابی موسیقی ردیف، زیر دست های هنرمندان عصر مشروطیت به صدا درآمد. خانواده سپهسالاری اولین پیانو نوازانی بودند که این ساز را با تغییر کوک و تداعی خوانش سنتور و تار از آن، نواختند. حبیب الله سپهسالاری که بعدها با نام مشیر همایون شهردار شهرت پیدا کرد، مطرح ترین نوازنده پیانو در عصر خود شد و این ساز را با الهام از روش سنتور نوازی استادش محمد صادق خان سرورالملک به صدا در آورد. دایی او رضا قلی خان نوری (نظمیه) نیز گذشته از مهارت در تنبک نوازی و تصنیف خوانی، در نواختن پیانو نیز آوازه ای داشت و چند صفحه از تک نوازی ها و هم نوازی او در اولین دوره ضبط صفحه سنگی به یادگار مانده است. خویشان و فرزندان مشیر همایون، مانند فروغ و سیروس شهردار نیز با روش های متفاوت از یکدیگر، استعداد خود را در این ساز آزمودند. محمود خان مخم الممالک، شاگرد



میرزا حسینقلی نیز ذوق خود را در نواختن موسیقی ایرانی با این ساز آزمود و از بین شاگردانش ، درخشان ترین چهره پیانو نوازی در سنت موسیقی شهری ایران را پروراند : مرتضی محجوبی ، که تجربه های گذشتگان در نواختن سنتور و سه تار و تار را باشیوه و شگرد شخصی خود به هم آمیخت و خوانشی منحصر به فرد، حاوی یکی از دلنشین ترین یوه های اجرای هنری در موسیقی برآمده از ردیف را عرضه کرد. که با وجود مقلدان و رهروان بسیار ، هنوز هم رسیدن به حد استاد ، در مرزهایی دور از امکان و دسترس امروز قرار دارد. چند سالی بعد از او، به جواد معروفی که مکتب علینقی وزیری و تعلیم معلمین مهاجر روس را دیده بود با معلومات محدودی که از موسیقی کلاسیک غرب فرا گرفته بود بر آن شد تا يك مکتب نوین موسیقی ایرانی برای پیانو را ایجاد کند؛ او نقش دست راست و چپ را (چنان که تکنیک بین المللی پیانو است) برای آفرینش و اجرای قطعاتی در موسیقی ایرانی در نظر گرفت و با الهام از برخی تکنیک های ساده موسیقی کلاسیک غربی و به ویژه در بعضی جاها با تأثیر پذیری از آثار فردریک شوپن (پیانیست و آهنگساز لهستانی) ، قطعاتی را ساخت و اجرا کرد. آثار او برخی پیرو سنت و برخی تغییر یافته هستند و او توانست با همه نقاط قوت و ضعف در مجموعه اجرایی خود، فضایی مدرن ، بدیع و دلپذیر را برای پیانوی ایرانی ، عنوان کند که تا دهها سال و بلکه تا امروز مورد توجه و تقلید است . در مجموعه اجرایی (رپراتوار) او ، از دگره سازی بر اساس ملودی های شیدا و عارف ، تا دوباره سازی از ملودی های ارمنی ، لایت موزیک های رمانتیک ،



از تنظیم آثار درویش خان برای ارکسترگله‌ها تا تنظیم ترانه‌های پاپ برای ویگن ، به چشم می‌خورد .

ادامه راهی که جواد معروفی باز کرد ، در کار شاگردانش (نظیر افلیا پرتو، مهین زرین‌پنجه و ...) شنیده شده و شکل تکامل یافته و تغییر یافته (و بلکه شاید بتوان گفت از مقطعی به بعد کاملاً نو و مستقل) آن ، در نوازندگی انوشیروان روحانی شنیده می‌شود. در آثار روحانی، موسیقی ایرانی ، در بسیاری از مؤلفه‌های سازنده (نظیر و فاصله‌ها و جمله بندی‌ها) از سنت فرهنگی قدیم خود فاصله آشکار می‌گیرد و بیانی تازه را ارائه می‌کند.

- آنچه در این آلبوم می‌شنویم ، برگزیده‌ای از ضبط‌های 1280 تا 1320 است که از اجرای موسیقی ایرانی روی پیانو در اختیار داریم . این ضبط‌ها در صفحه‌های سنگی هستند که با لطیف محدودیت‌هایی در تکنیک ضبط و زمان ضبط برای ارائه مطلب ، دارند .

نواخته‌های مشیر همایون شهردار آشکارا بازتابی از شیوه‌های قدیم سنتور نوازی (با شاخص محمد صادق سرورالملک) در عصر قاجار هستند. نواخته‌های مرتضی محجوبی، معرف‌هایی خلاصه ، اما کاملی از تکنیک نوازندگی و بیان بدیع او در ارائه موسیقی‌ای مبتنی بر ردیف (و نه مشق ردیف) هستند و مقدمه‌ای بر ارائه روش نوازندگی آراسته و مجلی که در سال‌های 1320 تا 1340 با ضرب آهنگی سنگین‌تر، برداشته‌های آزاد تر از ردیف ، و پرداختی بسیار نفیس و اصیل، نام مرتضی محجوبی را در حافظه موسیقی ایران ماندگار



کرد. صفحات دوره اول نوازندگی مشیر همایون (تراک 1 و 2 و 3) در مقایسه با صفحات دوره دوم نوازندگی او ، فاصله گیری آشکار از سنت موسیقی عصر قاجار ، و تأثیر پذیری هایی سطحی از برخی تکنیکهای ساده پیانو نوازی غربی را نشان می دهد. دو تراک موجود از نوازندگی حسین استوار (همشاگردی مرتضی محجوبی در کلاس پیانوی محمود خان مفخم الممالک) شخصیت استقلال یافته و ماهری را در پیانو نوازی نشان نمی دهد . چرا که او عمر خود را به نوازندگی دیگر سازها نیز صرف کرد و در تئاتر و اپرت نویسی نیز فعالیت داشت و هیچگاه نخواست پیانو نواز تمام وقت باشد . تراک 4 ، نمونه ای قابل توجه از یک نوع سبک نوازندگی در برخورد با موسیقی ایرانی را نشان می دهد : با شنیدن نوازندگی مادموازل کاترین . آ . ستکانیان ، یک پیانیست گمنام و احتمالاً از آرامنه مهاجر از روسیه ، به نکته ای شگفت آور می توان پی برد و آن ، تشابه عجیب فضای اجرایی ، تکنیک نوازندگی ، پردازش ملودی ها و ایجاد حس و حال ترکیبی موسیقی های ارمنی - فارسی- آذری ، با همه مختصات است که روش نوین پیانو نوازی ایرانی منسوب به زنده یاد جواد معروفی را با آنها می شناسیم . با توجه به زمان تقریبی ضبط این صفحه (سال 1306) ، و تقدم زمانی دوشیزه ستکانیان بر آقای معروفی و اشتراک خارج از حد تصادف و اتفاق بین اجرای این دو تن (معروفی - ستکانیان) ، بایستی در انتساب این شیوه به هر کدام از این هنرمندان جدأ تردید کرد و با تأملی دوباره و به احتمالی قوی ، آن را متعلق به فضایی گسترده تر



(احتمالاً شایع بین موسیقیدانهای مهاجر ارمنی -
ایرانی) در سالهای 1940 - 1930 دانست که خوش اقبالی
هنرمند والاتبار ، جواد معروفی ، در دستیابی به امکان
ضبط صفحه و کار سی و هفت ساله در رادیو ، این سبک
را به نام ایشان تمام کرده است .

سید علیرضا میر علی نقی